

**دکتر گلرمد مرادی**



**مشاور خانواده و تحلیل گر مسایل سیاسی**

## **افشای حساب های بانکی سران جمهوری اسلامی ایران در خارج**

سران فعلی رژیم ایران بمراتب از رژیم گذشته بدتر اند، زیرا اینها زیر نام اسلام ناب محمدی و با نظارت صاحب زمان مملکت را غارت می کنند و از نظر اقتصادی مردم را به خاک سیاه نشانده اند و از نظر اجتماعی، جامعه را به قرون وسطا بر گردانده اند. این است بیلانس 30 سال حاکمیت بعد از انقلاب. اکنون هم یواش یواش دارد رو می شود که علاوه بر ذخیره آن ویلاهای رؤیائی بامسجد و محراب و مناره های متعدد در شمال و نکوور کانادا، متعلق به خانواده هاشمی رفسنجانی، پولهای از راه حلال به دست آمده نیز، سر از بانکهای خارج از ایران در می آورند. این کارها همه زیر نظر خود صاحب زمان انجام گرفته و می گیرد!!

سران فعلی رژیم ایران بمراتب از رژیم گذشته بدتر اند، زیرا اینها زیر نام اسلام ناب محمدی و با نظارت صاحب زمان مملکت را غارت می کنند و از نظر اقتصادی مردم را به خاک سیاه نشانده اند و از نظر اجتماعی، جامعه را به قرون وسطا بر گردانده اند. این است بیلانس 30 سال حاکمیت بعد از انقلاب. اکنون هم یواش یواش دارد رو می شود که علاوه بر ذخیره آن ویلاهای رؤیائی بامسجد و محراب و مناره های متعدد در شمال و نکوور کانادا، متعلق به خانواده هاشمی رفسنجانی، پولهای از راه "حلال" به دست آمده نیز، سر از بانکهای خارج از ایران در می آورند. این کارها همه زیر نظر خود

صاحب زمان انجام گرفته و می گیرد!!

معمولا در سیستمهای خودکامه و دیکتاتوری اعتماد بین مردمان ملت‌های یک سرزمین با حاکمان از بین می رود. به دلیل اینکه اغلب در چنین سیستم‌هایی رهبران مملکت نه بخاطر خدمت به کشور و مردم و به جا گذاشتن نام نیک در تاریخ، بلکه با هدف پر کردن جیبهای خود قدرت را غصب می کنند. همان کاری که رضا خان بعد از قاجاریه کرد. نخست او با نیرنگ و استفاده از موقعیت ضعیف آن وقت ایران و بکارگیری تدابیر و هوشش، توانست نظرخارجیان را بخود جلب کند و به قدرت برسد. دوم در مرحله آغازین کوشید زیر نام خدمت به مملکت بظاهر گام‌هایی بر دارد و چون گامها از بنیاد کج برداشته شد، نتیجه اش را دیدیم. سوم با وصف آنکه بی سواد بود و ژاندارمی صفر، اما قادر شد سران نالایق مملکت و نوکر صفت نیمه انگلیسی را زیر فرمان خود بیاورد. به قول حسین مکی، یک سیاستمدار خانه زاد، خاندان پهلوی: "رضا شاه با دستهای قوی و خشن خود تاج را از روی دست تیمور تاش بر گرفت و بر تارک خود گذارد و شمشیر نادر را بکمر بست آنگاه سوار بر کالسکه سلطنتی شده، در خیا بانهای بیرق زده تهران مشغول گردش شد و از کنار پاسگاه‌هایی گذشت که مدت‌ها

تک و تنها سرپا ایستاده، در آنجا قراول میداد و اکنون با جلال و جبروت شرقی و صدها درباری متملق و چاپلوس رعایای خویش را تماشا میکرد". تاریخ 20 ساله، جلد 4، صفحه 50. چهارم با غصب املاک سران عشایر و گرفتن ثروت و زمینهای مرغوب در کشور از متمولین، خود را به جایی رساند که هنگام ترک ایران ثروتمندترین پادشاه قاره آسیا بود. باز هم حسین مکی در رابطه با چگونگی کسب ثروت رضا خان می نویسد: "پس از تاجگذاری، رضاشاهی که از میان توده مردم برخاسته بود، میان مردم بزرگ شده بود، بکلی از مردم جدا شد و بیشتر از پادشاه های سابق ایران دستگاه جاه و جلال برای خود فراهم ساخت و بر تر از همه خودش و همکارانش دست تعدی و تجاوز به اموال عمومی و خصوصی گشودند و غالباً همین که ثروت نزدیکانش بحد نصاب می رسید رضاشاه همه آن یا قسمت عمده اش را ضبط می کرد." همانجا و همان صفحه 50. اما او هنوز یاد نگرفته بود همانند جانشینانش، بخش بزرگی از ثروتش را نقدینه کند و به بانکهای خارج از ایران بسپارد آن کاری که بعدها بعنوان مثال پسرش، محمد رضا شاه و دیگر سران کشور، برای "تأمین" آینده زن و فرزندان و از ترس وقوع حادثه ای ناگهانی که خود به خوبی می دانستند هر آن امکان داشت دامان آنها را بگیرد که گرفت، هرچه نقدینگی از هر راهی که به دست آورده بودند به بانکهای خارجی سپردند و در مملکت بظاهر فقط آن خانه و وسایل اولیه ای که برای زندگی مرفه، نیاز بود، داشتند! امروزه نیز سران رژیم، مانند رفسنجانی و خامنه ای و امثال با پیروی از همین تئوری، چنین ادعا می کنند. چند سال پیش بود که در برنامه از کجا آورده ای؟ رفسنجانی ادعا کرد که این باغهای پسته را قبل از انقلاب هم داشته است و یک وجب به آن ها هم اضافه نشده. او راست می گفت. یک وجب به باغهای پسته اش اضافه نشده ولی میلیونها دلار کانادا از پول مملکت خرج ویلاهای متعدد بنام خودش یا دخترانش در شمال و نکوور کانادا کرده است. بهر حال او نمی تواند بگوید که این پول را از طریق روضه خوانی و از راه "حلال" کسب کرده است!

متأسفانه این مثل صحت دارد که گویند: در باره وقوع اتفاقات مهم در مملکت فقط در یک دوره کوتاه از آن حرف می زنند و بعد از مدتی از اذهان عمومی زوده می شود و بتاریخ می سپرند. باز هم با تأسف باید گفت که: مردم زود از یاد می برند حق کشی و سرکوبهارا. زود از خاطره ها می زدایند که در رژیمهای دیکتاتوری گذشته چه رشوه خواریها و چه دزدیها و کلاهبرداریهای انجام می گرفته و رسانه های داخل هم اجازه نداشتند در این باره بنویسند و اگر مردم هم سر زبانی از آنها باخبر می شدند، اکثراً جرأت نمی کردند چیزی بگویند. آن تعداد معدودی هم که در روزنامه های خارج چنین وقایعی را می خواندند و اعتراض می کردند، با زندان سر و کار داشتند و در زندانها و در زیر شکنجه و تهدید بزودی مطلب را از یادشان می بردند و یا بطور خودکار فراموش می کردند که آن را یادآوری کرده و به نسل بعدی منتقل کنند. اکنون به همان روال و بدتر از آن هم آن جنایات و دزدیها که در زمانهای رضاشاه و محمد رضا شاه انجام می گرفت و تقریباً بیشتر آن به فراموشی سپرده شده، انجام می گیرد. البته هیچ تعجبی ندارد و موضوع نیز باید کاملاً طبیعی باشد، زیرا وضع اسفباری که این ملایان با افکار قرون وسطائی جمهوری اسلامی و خدمه خرافه پرور، در این مدت کوتاه سی سال بوجود آورده اند، همه را به سوی بد، بهتر از بدتر می کشاند. یعنی مردم را بسوی مستبندی بهتر از خود اینان سوق می دهد.

سران رژیم جمهوری اسلامی بنا به افشاگری برخی از نیروهای فعال ضد این رژیم قرون وسطائی بی توجه به تبلیغات مضمّن کننده "حکومت عدل علی" خودشان، همان کاری را می کنند که سران مملکت در رژیم شاهنشاهی کردند. بطوریکه ارقام در این افشاگری نشان می دهد، هرکدام از مالاها در حد دسترسی خود توانسته اند بدون "ترس از آتش دوزخ" که خود بخوبی می دانند وجود ندارد، مبالغی سرسام آور به بانکهای خارجی سپرده اند. می گویم سرسام آور که واقعا اگر این مبالغ به تومان بی ارزش ایران هم می بود، برای من نوعی، سرسام آور است. لیستی که در اوایل انقلاب از خروج پول از ایران توسط سران نظامی و نوکران سیاسی مملکتی در رژیم محمد رضا شاه بیرون داده شد که از صدها میلیون دلار آغاز شده بود و کمترین آنها معادل سیزده میلیون و هفتصد هزار مارک متعلق به دکتر ایرج وحیدی وزیر آب و برق ایران، ختم می شد، نمونه ای از دزدیهای هزار فامیل در رژیم دیکتاتوری شاه بود. آن طور که گویند در میان جنرالهای شاه، ارتشبد غلامعلی اویسی با 120 میلیون دلار در خارج رکورد نظامیان ایران زمان شاه را شکسته بود. البته در آن لیست منتشر شده زیرنام اویسی فقط معادل چهل میلیون مارک قید شده بود. جالب است که در باره دزدیهای پیشین اویسی، یکی از دوستان صمیمی و همکلاسی سوپس شاه، ارتشبد حسین فردوست، در خاطرات خود درباره او می نویسد: "اویسی از آغاز افسر کم سواد بود و تا پایان نیز معلومات نظامی کمتر از متوسط داشت و مطلقاً اهل مطالعه نبود. حتی در دوره دانشکده افسری در هیچ یک از دروس و تمرینات شرکت نمی کرد و در طول دو سال دانشکده انباردار گروهان بود. ولی او توانست با زود بند و نزدیک کردن خود به محمد رضا ترقی کند و به مشاغل مهم برسد. اویسی از همان زمان دانشکده افسری ادعای دیانت داشت، ولی به هیچوجه چنین نبود و از هیچ کاری برای بستن بار خود کوتاهی نکرد. زمانی که فرمانده ژاندارم مری بود، سهم خود را از تریاکهای واردی از افغانستان و ترکیه بر می داشت و زنتش در کرمان تشکیلات سازماندهی فرم تریاک در خانه داشت. او تریاکهای مکشوفه را نیز بلند می کرد و می فروخت. گاه روزنامهها می نوشتند که مثلاً در زیرسازی یک نفتکش یک تن تریاک کشف شده است. قاعدتاً باید این تریاکهای مکشوفه به سازمانی خاص در دادگستری تحویل می شد، ولی اویسی آن را عوض می کرد و به جایش مادهای که مخلوطی از چند گیاه است تحویل می داد که رنگ و بوی تریاک داشت. باید بگویم که تریاکهای موجود در دادگستری تریاک نبود و 2/3 آن از همین مخلوطی بود که یک کیلوی آن یک ریال هم ارزش ندارد. اویسی از این طریق طی چند سالی که در ژاندار مری بود حداقل 5 میلیارد تومان دزدید و همه را دلار کرد و به خارج برد" (بدلار 7 تومانی آن زمان، حدوداً می شد 714.300.000 دلار). نگاه کنید به خاطرات حسین فردوست، جلد اول، صفحه 265، چاپ اول، تهران 1369. قابل ذکر است من به مطالبی که در داخل ایران جمهوری اسلامی منتشر شود زیاد اعتماد نمی کنم، اما به دلیل اینکه از منابع دیگر درباره رشوه خواری کلان و دزدی اویسی در حیطه فرماندهی اش از دیگر همقطاران زیاد شنیده ام، لذا این بیانات فردوست را نزدیک به حقیقت می دانم.

این فقط یک نمونه از دزدیهای مقامات بالای رژیم شاه بود و برای جلوگیری از طول کلام از آوردن نام چهل نفر از 177 نفر افشاء شده، توسط کارمندان بانک ملی که من در اختیار دارم، خودداری می کنیم. بخشی از آنچه که فردوست در رابطه با کثافتکاریها و دزدی ها و ریزه کاری های مخفی سران رژیم گفته است واقعا می تواند نزدیک به حقیقت باشد، زیرا بدلیل شغل معاونت ساواک، بیشتر گفته هایش را به پرونده های سری ساواک حواله می دهد و آنها هنوز هم موجودند.

و اما رژیم اسلامی و تا دندان مسلح به آئین محمدی همان کاری را که خلفشان در عالم بی دینی یا کم توجهی به دین می کردند، اکنون خود در عالم دین داری و هر روزه در انتظار ظهور صاحب زمان نشستن و شیره بر سر مردم مالیدن، می کنند. اخیراً لیستی بیرون داده شده با استناد بشماره حساب بانکی و کشور خارجی و غیره که سران جمهوری اسلامی بانام، دلارهای خود را برای روز مبادا ذخیره کرده اند، در اینجا برخی از این نامها بامبالغ سپرده شده به بانکهای خارجی، برای اطلاع هموطنان می آوریم و خود ببینند که چرا مردم جان بر لبشان رسیده و بد بهتر از بدتر را آرزو می کنند؟

1- رهبر جمهوری اسلامی (ولی فقیه) سید علی خامنه ای، در بانک "اشپار کاسه" در فرانکفورت آلمان، بشماره حساب بانکی 234075617، مبلغ 112 میلیون و صد هزار مارک از سال 1997 تاکنون. در کرنر بانک ژنو در سوئیس بشماره حساب بانکی 217824، مبلغ 97 میلیون دلار آمریکائی و در کانتوناله بانک لوزان در سوئیس بشماره حساب بانکی 71713، مبلغ 73 میلیون و دویست هزار دلار آمریکائی .

2- علی اکبر هاشمی رفسنجانی، در یونیون بانک سوئیس، در ژنو، بشماره حساب 223870390، مبلغ 532 و نیم میلیون فرانک سویسی و در بانک سوسایتی جنرال زوریخ در سوئیس بشماره حساب بانکی 30064183 مبلغ 477 میلیون و دویست هزار مارک از سال 1997 و در بانک اشپارکاسه سیبورگ آلمان بشماره حساب 2957132 مبلغ 238 میلیون و دویست هزار مارک از سال 1997 میلادی ببعده .

3- محمد علی تسخیری در بانک سوسایتی جنرال در ژنو (زوریخ) سوئیس بشماره حساب بانکی 500032654، مبلغ 280 میلیون و هفتصد هزار مارک آلمانی از 1997 و در بانک میدلند لندن در انگلیس بشماره حساب بانکی 150270-832، مبلغ 12 میلیون و دویست هزار پوند انگلیسی و در بانک درسندر دوسلدورف آلمان بشماره حساب بانکی 8354783، مبلغ 48 میلیون و سیصد هزار مارک آلمانی از سال 1997

4- محمد گلپایگانی، کریدیت بانک سوئیس در ژنو بشماره حساب بانکی "سی ای او 7680"، مبلغ 85 میلیون و هفتصد هزار فرانک سویسی .

5- بیژن نامدار زنگنه، یونیون بانک سوئیس در ژنو بشماره حساب بانکی 314380320، مبلغ 141 میلیون و صد هزار دلار آمریکائی .

6- حبیب الله عسکر اولادی، کرنر بانک ژنو در سوئیس بشماره حساب بانکی "3983 بی اچ کا"، مبلغ 180 میلیون دلار آمریکائی .

7- احمد جنتی، میدلند بانک لندن در انگلستان بشماره حساب بانکی 92114016، مبلغ 54 میلیون و دویست هزار پوند انگلیسی .

8- عبدالله ناطق نوری، یونیون بانک سوئیس، ژنو، بشماره حساب بانکی "210212032 ای ان دی"، مبلغ 123 میلیون و نهصد هزار دلار آمریکائی و در دوپچه بانک هامبورگ در آلمان، بشماره حساب بانکی 03223486، مبلغ 64 میلیون و صد هزار مارک آلمانی .

9- محسن رفیق دوست، یونیون بانک سویس، ژنو بشماره حساب بانکی 2183130687، مبلغ 122 میلیون و هفتصد هزار دلار آمریکائی .

10- محسن هاشمی بهرمانی (بحرمانی)، دویچه بانک مونیخ 3/ در آلمان به شماره حساب بانکی 1732736، مبلغ 370 میلیون و هفتصد هزار مارک آلمانی از سال 1997 و درکریدیت بانک ژنو سویس، بشماره حساب بانکی "اف سی 928530"، مبلغ 178 میلیون و دویست هزار دلار آمریکائی .

11- عباس واعظ-طبسی، کرنر بانک ژنو در سویس بشماره حساب بانکی اف آ اچ 7272، مبلغ 97 میلیون و دویست هزار فرانک سویس و دربانک اشپارکاسه هامبورگ آلمان بشماره حساب بانکی "72251660 دی اف اچ"، مبلغ 216 میلیون و هفتصد هزار دلار آمریکائی .

12- حسین شریعتمداری، میدلند بانک لندن، انگلستان، بشماره حساب بانکی 34414011، 37 میلیون و هشتصد هزار پوند انگلیسی .

13- محسن رضائی، یونیون بانک سویس، ژنو بشماره حساب بانکی 442760430، مبلغ 78 میلیون و دویست هزار دلار آمریکائی و در کریت بانک ژنو در سویس بشماره حساب بانکی "7967 اف آ اچ" 52 میلیون و هفتصد هزار فرانک سویس .

14- مسعود موحدیان، کامرس بانک کلن در آلمان، بشماره حساب 3528817، مبلغ 287 میلیون و هشتصد هزار مارک آلمانی از 1997 میلادی .

15- کمال خرازی، کرنر بانک ژنو در سویس، بشماره حساب بانکی "4567 آ ام اف"، مبلغ 18 میلیون و دویست هزار دلار آمریکائی .

16- علی رضا معیری، در بانک سوسایتی جنرال ژنو در سویس بشماره حساب بانکی 50024814، مبلغ 12 میلیون و ششصد هزار دلار آمریکائی .

17- حسین کردی، کرنر بانک ژنو در سویس، بشماره حساب بانکی 14710025، مبلغ 14 میلیون و هفتصد هزار دلار آمریکائی .

18- عباسعلی فروغی در کرنر بانک ژنو در سویس، بشماره حساب بانکی 12930034، 10 میلیون و هفتصد هزار دلار آمریکائی .

19- محمد هاشمی بهرمانی (بحرمانی)، دویچه بانک مونیخ در آلمان، بشماره حساب بانکی 1734726، مبلغ 177 میلیون و دویست هزار مارک آلمانی از 1997 .

همانگونه که در پیش ذکر شد، این ارقام اگر به تومان بی ارزش (یعنی 1300 تومان برابر یک یورو اروپائی) هم باشد برای من و میلیونها ایرانی ارقام نجومی هستند. در اینجا لایق ذکر است، بدانگونه که منبع زیر به زبان انگلیسی به ما می گوید، گویا این لیست اسامی در سال 1997 توسط کار مندان با شهامت بانکها در ایران بیرون داده شده و بدست دانشجویانی افتاده است. جالب است مقایسه دو لیست

زمان شاه و خمینی که یکی اوایل انقلاب منتشر شد و یکی اکنون می خوانیم، هر دو از طرف آن کارمندان محترم و با شهامت بانکی بیرون داده شده که به منافع مردم اندیشیده و می اندیشند. هموطنان عزیز، این طور معلوم است که آخر های عمر رژیم رسیده و اینها با این وضع اقتصادی وحشت ناک که بوجود آورده اند، دیگر قادر به اداره کشور و حکومت کردن نیستند. بهمین دلیل بوحشت افتاده اند و کوشش می کنند تمام ندانم کاریهای اقتصادی را بگردن یک دیگر بیاندازند و دارند برای شانه خالی کردن از زیر بار سنگین تورم و بیکاری و اعتیاد و نپرداختن حقوق چند ماهه کارگران و غیره، آخرین اسلحه را یعنی حضور صاحب زمان و "ما هیچ کاره ایم، اوست که حکومت می کند"، بکار گیرند. در اینجا برای نشان دادن وضع اسفبار مملکت رجوع می کنیم به چند روزنامه و خبرهای مندرجه در آنها. اکثر این خبرها از روزنامه های این ترنتی گرفته شده اند :

"گزارشی در باره فقر و تورم و گرانی افسارگسیخته در ایران

آفتاب یزد، یک شنبه ۲۳ تیر ۱۳۸۷، درباره فقر در ایران، نوشت: عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با بیان این که طبق استانداردهای سازمان ملل افراد زیر خط فقر شدید باید حداقل روزی ۲ دلار درآمد داشته باشند، گفت: افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی به طور متوسط، ماهانه ۳۷ هزار تومان مستمری دریافت می کنند که روزی ۱۲۰۰ تومان می شود. ثروتی در گفتگو با فارس اظهار داشت: در حال حاضر ۶ میلیون نفر از افراد تحت پوشش کمیته امداد امام (ره) و سازمان بهزیستی به طور متوسط ماهانه ۳۷ هزار تومان دریافت می کنند یعنی درآمدی نصف خط فقر شدید دارند. اگر این افراد برای زنده ماندن نیازمند درآمد ۲ دلار در روز باشند باید ماهانه ۶۰ هزار تومان مستمری دریافت کنند. وی تصریح کرد: علاوه بر این ۶ میلیون نفری که تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند ۶ میلیون نفر دیگر نیز پشت نوبت دریافت حمایت های سازمان هستند که در مجموع ۱۲ میلیون نفر می شوند. از سوی دیگر بر اساس تورم های موجود ۲ میلیون نفر زیر خط فقر شدید رفته اند که در کل تعداد افراد زیر خط فقر شدید در کشور ۱۴ میلیون نفر می شود". این ارقام و اطلاعات از وضع غم انگیز بیش از ۲۰ درصد شهروندان کشور، از دهان برخی از گردانندگان رژیم در آمده است. در روزنامه های دیگری و از جمله در رابطه با وضع اجتماعی مردمان ملت های ایران و اظهارات مشمنز کننده و احمقانه یک امام جمعه، می خوانیم :

"دستگیری فعالین جنبش زنان

بنا به نوشته روزنامه اعتماد، یک شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۷، امام جمعه مشهد در خطبه های نماز جمعه این شهر، با کلمات رکیکی خطاب به فعالین کمپین یک میلیون امضا، گفت: «من نمی دانم چرا یک عده خود فروخته و سست عنصر اصرار دارند که ما از خدا و امام زمان صحبت نکنیم. کشور ما کشور امام زمان است. ما شکست های خود را به امام زمان نسبت ندادیم بلکه پیروزی های خود را مدیون ایشان می دانیم.» احمد علم الهدی در ادامه با هرزه و خودفروخته خواندن زنانی که برای تغییر برخی از قوانین تلاش می کنند، خواستار برخورد با آنان شد. به گزارش ایسنا، وی گفت: «بعضی از عناصر هرزه و خودفروخته ورق پاره ای را در دست گرفته بودند و برای لغو قوانین کشور و لغو حجاب در کشور تلاش می کردند، این ها جریاناتی است که عناصر خودفروخته و جاسوسان استکبار به راه

انداخته اند و این کار جریانات جاسوسی بوده است.» وی افزود: «باید با این جریانات برخورد کرد. این ها قضایایی نیست که ما در برابر آن کوتاه بیاییم.» در ادامه در مورد اعتیاد می خوانیم :

"اعتیاد

در آماري که به تازگی از سوی مسئولین استان مرکزی ارائه شده، عنوان شده است که در سال گذشته بیش از ۶ هزار زن معتاد و ۷۲ دختر فراری در استان مرکزی دستگیر شده اند. جواهری، معاون امور بانوان استانداری مرکزی، در همین زمینه گفت: بیش از ۶ هزار معتاد زن پارسال در استان مرکزی دستگیر شده اند که میانگین سنی آنان بین ۱۸ تا ۲۵ سال است. وی افزود: ۳۰ درصد معتادان دختر و ۷۰ درصد آنان را زنان تشکیل می دهد. جواهری، با اشاره به تخلفات زنان استان در پارسال افزود: در این مدت ۷۲ مورد دستگیری دختر فراری، ۳۸ مورد جرائم جنسی، ۳۱۸ مورد نزاع دسته جمعی، ۳۲ مورد قتل، ۲۱ مورد خودکشی موفق و هزار و ۴۰۷ مورد خودکشی ناموفق در استان به ثبت رسیده است .

لازم به ذکر است این تنها مربوط به آمار رسمی ثبت شده برای یک استان می باشد که توسط مسئولین ارائه می شود که بی گمان آمار واقعی و ثبت نشده بسیار بیش از این می باشد. (خبرنامه دانشجویی امیرکبیر، ۷ خرداد ۱۳۸۷ )

کراک ایرانی با آنچه در جهان به عنوان کراک شناخته می شود متفاوت است، کراک واقعی از کوکائین ساخته می شود، اما آنچه در ایران به عنوان کراک وجود دارد، هروئین خالص و فشرده است. «اعتیاد به کراک در حال حاضر ۲۶ درصد از معتادان کشور را شامل می شود.»

هومن نارنجی ها، مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور در حالی این خبر را اعلام می کند که تنها حدود ۳ سال از ورود این ماده به بازار می گذرد. جانشین دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در این باره می گوید: «بیش از ۲۵ درصد معتادان کشور کراک ایرانی مصرف می کنند.» (روزنامه همشهری، ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۷ )

خبرگزاری حکومتی فارس، ۱ مرداد ۱۳۸۷، نوشت: فرمانده انتظامی شهرستان دامغان گفت از ابتدای امسال تاکنون ۴۷ هزار نفر از عاملان توزیع مواد مخدر و عاملان مصرف در شهرستان دامغان دستگیر شدند. این آمار در این شهرستان کوچک قبل از هر چیز ابعاد گسترده فاجعه انسانی را نشان می دهد. در واقع صدها هزار نفر در آن جا معتاد هستند که فقط ۴۷ هزار نفر از عاملان توزیع آن دستگیر شده اند؟! "

"ورزشکاران ایران در المپیک سال 87

بیست و نهمین دوره بازی های المپیک، با حضور بیش از ۱۱ هزار ورزشکار در ۲۸ رشته ورزشی، از نیمه مرداد 87 به مدت ۱۶ روز در پکن، پایتخت چین برگزار شد. کشور های چین، میزبان بازی ها با ۵۱ مدال طلا، آمریکا با ۳۶ مدال طلا و روسیه با ۲۳ مدال طلا به ترتیب در جایگاه های اول تا سوم این بازی ها قرار گرفتند .

ورزشکاران ایرانی، در دوره ای که به گفته کارشناسان از جمله بدترین دوره های حضور ایران در المپیک بود در جایگاه ۵۱ مسابقات قرار گرفتند .

تیم ورزشکاران ایران تنها دو مدال، یک مدال طلا و یک مدال برنز گرفتند. مدال طلا را هادی ساعی تکواندوکار ایرانی که در المپیک چهار سال پیش هم برنده مدال طلا شده بود، کسب کرد و مراد محمدی کشتی گیر ایرانی برنده مدال برنز بود .

علی کفاشیان، رییس کمیته بین المللی المپیک، ضعف در تدارکات و بخش های فنی را عامل ناکامی ورزشی ایران برشمرد. مجلس شورای اسلامی هم ناکامی کاروان ورزشی ایران را بررسی کرد و در گزارش خود مدیریت ورزشی کشور را مقصر شناخت اما هیچ تغییری در این عرصه پدید نیامد. عرصه ورزش ایران نیز هم چون عرصه های دیگر، از ضربات مخرب حکومت اسلاکمی مصون نمانده است ."

اگر امروز جهان پهلوان، تختی نامدار زنده بود، بحال ورزش ایران می گریست. رژیم جمهوری اسلامی برای کاروان حج و شبهای آشورا و تاسوا برنامه ریزی دقیق می کند و پول می ریزد، اما برای ورزش، سلامتی و افتخار جوانان و جامعه نه !بله مطرح کردن امام زمان برای عوامفریبی و ترویج خرافات وسیله ای بسیار خوب و راحت است و هیچ کسی هم نمی تواند، به آن اعتراض کرده یا آن را غیر واقعی بداند و مسخره کند. در این باره می خوانیم :

"تبلیغ خرافات

غلامحسین الهام، وزیر دادگستری و سخنگوی دولت طی مقاله ای که در شماره ۱۹ هفته نامه همت (هفته سوم تیرماه ۸۷)، به چاپ رساند، خاطرات تازه ای را از رییس جمهور نقل کرد و نسبت به برخی از اخبار رایج در محافل سیاسی واکنش نشان داد. الهام، پس از ذکر برخی خاطرات خود از همراهی با رییس جمهور، نوشته است: امام عصر را حاضر و ناظر بر امور عالم می داند، او معتقد نیست که دوران غیبت و انتظار ظهور به معنای عدم حضور و عدم ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. حکومت حقه از آن اوست. هر حکومتی اگر متصل به او نباشد غاصب است، مشروعیت نظام جمهوری اسلامی از این اعتقاد است که در اصل پنجم قانون اساسی هم ذکر شده است. بنابراین کار کردن در این حکومت و به اعتبار این اتصال، مشروعیت دارد. «ولی فقیه» به نیابت عام از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اساس مشروعیت تصرفات حکومتی است. او استمرار هستی را به خاطر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می داند، و باید این پاسخ گویی در برابر امام، اساس حرکت حکومت در همه عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... باشد و جهان به این نقطه خواهد رسید و عالم در ظل حکومت انسان کامل به تعالی و ارزش و کمال خواهد رسید .

الهام در ادامه این مطلب نوشته است: احمدی نژاد، در استان های مختلف که برخی از آن ها را خودم حضور داشته ام، در کرمان، مشهد، قم و ... در جمع علمای بلاد، عقاید خود را نسبت به مهدویت، نگاه به دین و حکومت دینی صریح ابراز کرده است... به یکی از بزرگان عرض کردم آیا شما در این مبانی اشکالی می بینید؟ نه تنها هر گونه اشکال را نفی کرد، که موید همه این اعتقادات هم بود. در

محضر بزرگانی هم چون آیت الله بهجت (دامت برکاته) و هم آیاتی چون آیت الله جوادی آملی و ... اظهار عقیده کرده است و همه این بزرگان دعا کرده‌اند و تایید. او امام زمان را نیازمند سفره غذای دولت - که وجودی ندارد - نمی‌داند تا ظرف غذا برای او تهیه کند. و محدوده وجود و حضور پربرکت امام را در حد یک سجاده دفتر دولت نمی‌داند که سجاده بیان‌دازد و دامنه تصرف او را در عصر غیبت در حد اقامه نماز جماعت، و حد یک «امام جماعت» محل کار خود بدانند. او را امام همه عالم می‌داند و قدرت تصرف ولایی او را در این حد تنزل نداده و خود را هم هرگز در حد ارتباط با آن وجود مبارک بالا نبرده است."

"احمدی نژاد، رییس جمهور حکومت اسلامی، از سخنان فروردین ماه ۱۳۸۷ خود در مشهد، در مقابل منتقدانش دفاع کرده است. آن سخنرانی معروفی که وی در فروردین ماه در جمع طلاب و روحانیون مشهد کرده بود روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷ از تلویزیون دولتی ایران پخش شد. وی در سخنرانی خود در مشهد، قسم خورد که دست امام مهدی را در همه امور می‌بیند و گفت هدف او نیز فراهم کردن زمینه برای ظهور امام دوازدهم شیعیان است. او حتا از «موفقیت» سخنرانی در دانشگاه کلمبیای نیویورک، علی‌رغم آنچه مانع تراشی سیاستمداران آمریکایی خواند، سخن گفت و تاکید کرد که به جز با یاری امام زمان ممکن نبوده است."

وی ادعا کرد که با مدیریت امام زمان ۵۰۰ میلیون نفر سخنان او را از تلویزیون دیده‌اند. احمدی نژاد، گفت: «من در این دو سال و نیم - البته در تمام دوران انقلاب - به شما عرض کنم ما دست این مدیریت الهی را هر روز داریم می‌بینیم. خدا خود شاهد است که ما می‌بینیم. اغراق نمی‌گویم. ندیده را خدمتان عرض نمی‌کنم. درست مثل همان چیزی که شما خدا را در عالم می‌بینید.»

خوانندگان محترم به احتمال زیاد بگویند: افراط این مرد که رئیس جمهور ایران می‌نامندش به حد دیوانگی رسیده. اما متأسفانه این طور نیست، بلکه او شنوندگانش را ساده و دیوانه می‌پندارد. او می‌داند که قسم خوردنش دروغ محض است و هر آنچه می‌گوید یک مشت اراجیف بیش نیست. او خوب می‌داند، این مدیریت تکنولوژی مدرن است که باصطلاح پانصد میلیون سخنان او را می‌شنوند و حتا قیافه اش را می‌بینند، نه مدیریت امام زمان! این حضرت امام زمان بزرگوار اگر این توانائی را داشت، چرا 1200 سال پیش چنین اعجازی نمی‌کرد؟! چرا اکنون وضع اقتصاد حتا معتقدان بخودش را رو برآه نمی‌کند؟! حالا من نوعی بجهنم! متمنی است به این جمله "ناب" امام جمعه قم، خوب توجه فرمائید:

"ما به هیچ وجه علم سکولار نداریم و علم یا الهی و یا الحادی است. این آیت الله جوادی آملی تاکید کرد: فلسفه ما الهی و قرآن ما الهی است و بنابراین خلقت شناسی ما نه الحادی و نه سکولار خواهد بود."

تأسف بار است، واقعا تأسف بار. اکنون کسانی برجامعه ایران چند ملیتی بافرهنگی غنی و سابقه تاریخی چند هزار ساله حکومت می‌کنند و امکان دارند این چرندیات را تحویل مردم بدهند، که روزی این کشور، برای دیگران الگوی فرهنگی بوده است.

من بعنوان یک کرد ایرانی دلسوز برای آینده مملکت، باید بگویم و اختطاری دوستانه به همه نیروهای اپوزیسیون بدهم. شما فعالان کشور باید بدانید تا زمانی که تفرقه و چند دستگی میان نیروهای مردمی در خارج و داخل وجود دارد، احمدی نژاد، آیت الله آملی و بقیه گردانندگان جمهوری اسلامی به راحتی می توانند به خرافات و عوام فریبی ادامه دهند، اگر چه وضع اقتصادی مملکت بمراتب بدتر از امروز هم بشود، این رژیم می تواند تا زمانی که دمکراتهای ایران متحد نشده اند، خود را بر اریکه قدرت نگهدارد. پس سرنگونی رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی با اتحاد همه ی نیروهای دمکرات و آزادی خواه خارج و داخل کشور گره خورده است .

با آرزوی اتحاد همه نیروهای مبارز و شناسائی حقوق انسانی و رعایت الفبای دمکراسی از طرف همه احزاب و سازمانهای اپوزیسیون خارج از کشور .

هایدلبرگ، آلمان فدرال، 12 آوریل 2009

Dr.GolmoradMoradi@t-online.de

Foreign bank accounts of Iranian leaders

\* Jan 7, 2009 at 9:11 AM

\* Post a comment

This was re- posted on daneshjoo.org

Interesting, although I am not sure if it's true. Supposedly in August Bank employees in Iran sent this partial list outside of the country, if it's true, it's sad that our people don't have safe water or enough food and the oil money is being hoarded by these supposed men of Islam....What do u guys think?? On August 2000, a group of Iranian banks employees revealed the financial frauds of most Islamic republic's regime leaders and published part of their assets in foreign banks. Based on this report sent to outside Iran, which made start indirectly a series of Public statements printed in many Iranian and Foreign Newspapers, Millions of dollars of Public funds have been transferred during the last 15 years while the Islamic leader (on this list) is asking for an investigation on Official corruption and his regime for more loans to supposedly help the Iranian economy.

Already and based on a scandal which shook the regime in 1997, Morteza Rafighdoost, brother of Mohsen Rafighdoost head of the Janbazan Foundation was indicted in connection with a Financial fraud of over 100 BILLIONS of

Tomans (3 BILLIONS of US Dollars in official exchange rate and as most malversations were done based on Official rates which is a privilege of Governmental foundations). Irony is that Mohsen Rafighdoost still at the head of the Foundation nowadays.

The partial list was as follow:

1) Ali Khamenei

- Sparkasse Bank (Frankfurt/Germany) Acct. # 234075617: DM 112.1 Millions
  - Corner Bank (Geneve/CH) Acct. # 217824: US\$ 97 Millions
  - Banque Cantonale (Lausanne/CH) Acct. # 71713: US\$ 73.2 Millions

2) Ali Akbar Hashemi Rasfandjani

- Union Bank Suisse (Geneve/CH) Acct.# 223870390: SF 532.5 Millions
  - Societe Generale (Zurich/CH) Acct.# 30064183: DM 477.2 Millions
  - Sparkasse (Ciborg/Germany) Acct. # 2957132: DM 238.2 Millions

3) Mohammad Ali Tasskhiri

- Societe Generale (Geneve/Ch) Acct.# 500032654: DM 280.7 Millions
  - Midland Bank (London/UK) Acct.# 832-150270: BP 12.2 Millions
- Dressdner bank (Dusserdolf/Germany) Acct.# 8354783: DM 48.3 Millions

4) Mohammad Golpayegani

- Credit Bank Suisse (Geneve/CH) Acct.# CEO7680: SF 85.7 Millions

5) Bijan Namdar Zangene

- Union Bank Suisse (Geneve/CH) Acct.# 314380320: US\$ 141.7 Millions

6) Habibollah Asgar Aladi

- Corner Bank (Geneve/CH) Acct. # 3983BHK: US\$ 180 Millions

## 7) Ahmad Jannati

- Midland Bank (London/UK) Acct.# 92114016: BP 54.2 Millions

## 8) Abdollah Nategh Nouri

- Union Banque Suisse (Geneve/CH) Acct.# 2102120321ND: USD 123.9 Millions

- Deutsh bank (Hamburg/Germany) Acct.# 03223486: DM 64.1 Millions

## 9) Mohsen Rafighdoost:

- Union Banque Suisse (Geneve/CH) Acct.# 2183130687: USD 122.7 Millions

## 10) Mohsen Hashemi Bahremani

- Deutsh bank (Munchen 3/Germany) Acct.# 1732736: DM 370.7 Millions

- Credit Bank (Geneve/CH) Acct.# 928530FC: USD 178.2 Millions

## 11) Abbas Vaez-Tabassi

- Corner Bank (Geneve/CH) Acct.# FAH7272: SF 97.2 Millions

- Sparkasse (Hamburg/Germany) Acct #. DFH72251660: USD 216.7 Millions

## 12) Hossein Shariatmadari

- Midland Bank (London/UK) Acct.# 34414011: BP 37.8 Millions

## 13) Mohsen Rezai

- Union Banque Suisse (Geneve/CH) Acct.# 442760430: USD 78.2 Millions

- Credit Bank (Geneve/CH) Acct.# FAH7967: SF 52.7 Millions

## 14) Massood Movahedian

- Commerz Bank (Koln/Germany) Acct.# 3528817: DM 287.8 Millions

## 15) Kamal Kharrazi

- Corner Bank (Geneve/CH) Acct.# AMF4567: USD 18.2 Millions

16) Ali-Reza Mo-ayeri

- Societe Generale (Geneve/CH) Acct.# 50024814: USD12.6 Millions

17) Hossein Kordi

- Corner Bank (Geneve/CH) Acct.#14710025: USD 14.7 Millions

18) Abbas-Ali Forooghi

- Corner Bank (Geneve/CH) Acct.# 12930034: USD 10.7 Millions

19) Mohammad Hashemi Bahremani

- Deutsh Bank (Munich 3/Germany) Acct.# 1734726: DM 177.2 Millions

[Dr.GolmoradMoradi@t-online.de](mailto:Dr.GolmoradMoradi@t-online.de): ایمیل نویسنده

برگرفته از : ایران گلوبال

انتشار از : قویدل